

دری که هیچ وقت بازش نکردیم



حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

از موضوع هایی که جا دارد بیشتر درباره اش فکر و تأمل کنیم، این است که یادکردن خدا چه تأثیری بر انسان می گذارد و با دل و جان او چه می کند؟ ما با توجه کردن به خدایی که اعتقاد داریم ما را می بیند و صدای ما را می شنود و صاحب همه قدرت ها و کمالات است، چه تغییری می کنیم و چه اتفاقی در درون ما می افتد؟ اما خداوند بزرگ می فرماید: انا جلیس من ذکرنی. من هم نشین کسی هستم که مرا یاد می کند و چه هم نشینی بهتر از خداوند؟! ما هنگامی که نماز می خوانیم، هم نشین خداوند زمین و آسمان می شویم، اما هر چه نماز ما از معنا و عمق سرشار شود، تأثیر این هم نشینی بیشتر در ما و زندگی ما آشکار می شود.

هر مسلمانی در شبانه روز پنج وعده نماز می خواند که به اصطلاح به آن نماز های یومیه واجب می گویند، اما تصور همه مسلمانان از نماز و حال آن ها در این نماز و بعد از این عمل به هیچ وجه مثل هم نیست. از پیامبر خدا^(ص) روایت شده است: دو نفر از امت من به نماز می ایستند و رکوع و سجودشان یکی است، حال آنکه تفاوت بین نمازشان برابر با فاصله آسمان و زمین است.

وقتی دنبال سز این تفاوت می گردیم، به موضوعات مختلفی برمی خوریم که برخی از آن ها از جنس معرفت و شناخت هستند، چیزی که ارزش عمل دو نفر و تأثیر عمل آن ها را در خودشان و دیگران متفاوت می کند. حتما این طور است که اولین چیزی که موجب می شود نماز و عمل ما و تأثیرش متفاوت باشد، میزان ایمان ما به خداوند و درجه یقین ما به عالم نادیدنی هاست که اختلاف در این موضوع به اندازه تعداد افراد است. اما بعد از مسئله مهم ایمان به خداوند و وجود و احاطه او به ما، باید دنبال اصلاح تصور ذهنی خودمان از نماز باشیم.

از اولین مسائلی که مانع رسیدن ما به آن نماز عرشی است، تصورات ذهنی اشتباه و ناقص از این عملی است که بناست انسان را به عرش برساند. وقتی روزگار برای پیامبر سخت می شد و به پیامبر خدا^(ص) فشار می آورد، بلال راصدا می زدند و به او می گفتند: ارحنا یا بلال! ای بلال، راحتی را برای ما بیاور. راحت پیامبر وقتی فرامی رسید که به مناجات و نجوا با حضرت محبوب می نشست و انگار آن لحظات اصلا در این دنیا نبود و جزو عمر دنیایی او محسوب نمی شد. حال آنکه بهترین های ما که اهل نماز و انجام دستورات دینی هستیم، وقتی نمازمان تمام می شود، می گوئیم راحت شدم! یعنی پیامبر خدا^(ص) با نماز راحت می شد و ما از نماز راحت می شویم، این فرق ما با اوست. تصویر ما از نماز، همان تکلیف سنگینی است که البته اهمیت دارد، نه اینکه نماز را یک فرصت بدانیم، فرصتی برای رسیدن به محضر ارباب همه اربابان و رئیس همه رئیسان، خدایی که در عین مهربانی بی نهایت، قدرت بی نهایت دارد و این فرصت را در نماز به ما داده است تا با او سخن بگوئیم و از او چیزی بخواهیم. این همان تصویری است که باید ما از نماز داشته باشیم، آیت ا... بهجت می فرمود: اگر سلاطین عالم لذت دو رکعت نماز خواندن را درمی یافتند، دنیای خودشان را رها می کردند. مشکل آن است که ما تاپشت در خانه این محبوب ازلی می رویم، اما دق الباب نمی کنیم و در نمی زنیم. شاید در هم بزنین، اما وارد نمی شویم. حتی ممکن است وارد خانه او هم شده باشیم، اما به جمال بی مثال او نگاه نمی کنیم تا جان ما سراسر حظ شود. از خداوند بزرگ می خواهیم که توفیق توجه خالصانه به خودش در نماز را روزی همه ما بگرداند. ان شاء ا...

آب نوشم و از عمق جان یادت کنم

سقاخانه ها، جایی برای ذکر یا حسین^(ع)



فضایی کوچک در میانه راه مردمی که از کوچه و بازار رد می شدند، جایی برای نوشیدن یک پیماله آب و سلام دادن به لب تشنه امام حسین^(ع) و یادکردن از سقای کربلا. این ایده چندصدسال است در ایران رواج دارد. سقاخانه چیزی بیشتر از یک اتاق یاد رگاهی کوچک در کوچه و بازار نبوده است، جایی که با هدفی عام المنفعه که البته به یاد سالار شهیدان ساخته و وقف می شده است. سقاخانه های قدیمی مثل اتاقی در دل دیوار و در معابر بازار قرار دارند. بعضی ها در ابعاد سه در چهار متر و بیشترشان کوچک ترند و گاهی آن قدر کوچک اند که مثل حفره ای در دیوار به نظر می رسند. بیشتر در کنار در مساجد یاد را بازار و به طور کلی در محل های پر رفت و آمد بنا شده اند. هزینه سقاخانه ها گاهی از موقوفات مساجد تأمین می شود یا گاهی از طرف خیری وقف آب رسانی به مردم می شده اند. سقاخانه ها معمولاً یک حلقه چاه آب قابل شرب داشتند که آب آن به وسیله دلو و چرخ از چاه بیرون کشیده و در سنگاب سقاخانه ریخته می شده است. سنگاب در سقاخانه مستطیلی به گودی پنجاه تا هفتاد سانتی متر است و معمولاً سنگ نوشته ای شامل متن وقف دارد. سنگاب در جلو سقاخانه برای استفاده مردم قرار می گرفته و حفره ای برای تخلیه آب در کف آن ایجاد می شده است. همچنین، کاسه ای مسی بارشته ای زنجیر به دیوار بیرونی سقاخانه آویزان بوده که یا حسین^(ع) شهید، بر آن حک شده بود. کاسه های دیگری از جنس برنجی و طلائی رنگ با پنجه ای در وسطش و آیاتی اطراف آن هم وجود داشته است.

منتخب حکمت های جاویدان

علی بن ابیطالب^(ع)

«خدا یا! تو شایسته زیباترین توصیف ها و سزاوار بهترین ستودنی هایی. اگر آرزو شوی، برای آرزوشدن بهترینی و اگر به تو امید بسته شود، برای امید بستن کریم ترینی. خدا یا! برای هر ثنا گو و ستایشگری، اجر و مزدی از پاداش و احسان است و من به تو امیدوارم که مرا به ذخایر و اندوخته های رحمت و گنجینه های مغفرت و آمرزشت هدایت و راهنمایی کنی، قسمتی از کتاب منتخب «حکمت های جاویدان» را خواندید. رضا مردنی به انتخاب خودش برخی حکمت های به جا مانده از امیرالمؤمنین^(ع) را برای ما در این اثر گردآوری کرده است. این اثر باآموزه های اخلاقی خود برای داشتن یک زندگی دین دارانه شما رایاری می کند. این اثر را نشر ثالث چاپ و روانه بازار کرده است و نسخه الکترونیکی آن نیز در دسترس است.



شهرآرانبیرون۳شنبه۴مهرماه۱۳۹۱شماره ۲۳۲۲

۱۴



اگر این قرآن را بر کوهی نازل می کردیم، می دیدی که در برابر آن خاشع می شد و از خوف خدا می شکافت! این ها مثال هایی است که برای مردم می زنیم، شاید در آن بیندیشید.

سوره حشر، آیه ۲۱
ترجمه آیت ا... مکارم شیرازی

عبادت کردن به زیادی روزه و نماز نیست، بلکه (حقیقت) عبادت، زیاد در کار خدا اندیشیدن است.

امام حسن عسکری^(ع)
تحف العقول، ص ۴۴۲ و ۴۸۸

در گفت وگوی شهرآرا با حجت الاسلام والمسلمین بهاری مطرح شد

چهار ویژگی عزتمندی در قرآن کریم

ساحل کریمی

از صفات و مفاهیم مطرح شده در قرآن کریم، عزت داشتن و عزیزبودن نزد خداوند و مردم است. این امر ازجمله موضوعات مهمی است که کمتر مسلمانی با آشنایی مایل به رسیدن به این درجه مهم در زندگی فردی، اجتماعی، خانوادگی و در دنیا و عقبی نباشد. به دلیل اهمیت موضوع، برای پی بردن به رمزورمز قرآنی که می تواند به ایجاد عزت در انسان و ارتقای جایگاهش در زندگی دنیوی و اخروی منجر شود، باحجت الاسلام والمسلمین ابراهیم بهاری، کارشناس معارف دینی و قرآنی، گفت وگو کرده ایم که در ادامه آمده است.

● عزیزبودن و عزتمندبودن در دنیا و عقبی در قرآن ارزشمند بیان شده است؟
عزت کلمه ای عربی است و در لغت به معنای محکم و نفوذناپذیربودن است. از نظر اصطلاح اجتماعی این واژه به معنای حالتی است که از شکست انسان پیشگیری می کند و انسان را در زمینه های مختلف شکست ناپذیر می کند و مانع مغلوب شدنش می شود. در عصر کنونی بعد از گسترش علم روان شناسی، این علم بر این موضوع تأکید می کند که زندگی باعزت به بزرگ شدن انسان نزد مردم جامعه منجر می شود. مسئله زندگی باعزت از منظر روان شناسی به قدری مهم است که در این باره از لحاظ علمی پژوهش های گسترده ای انجام شده است. مهم این است که مسلمانان در تقویت این روحیه زندگی سازو انسان ساز سابقه ای به درازای عمر اسلام دارند و آن را از آموزه های بلند اسلام می دانند و از اسلام به ارث برده اند. براساس تعالیم

دین اسلام، سرچشمه اصلی عزتمندی انسان، پروردگار متعال است و همه عزت و سربلندی ها از ذات مقدس حضرت حق سرچشمه می گیرد، به طوری که در همین آیه سوره مبارکه فاطر



ارتباط با مؤمنان که افتخار بندگی خدا را دارند و عزت خود را از سرچشمه اصلی یعنی خداوند عزیز گرفته اند، می تواند عامل عزت و مانع ذلت پذیری باشد.

آمده است که همه عزت و بلندمرتبیگی برای ذات مقدس حضرت حق است. از این رو، وقتی منشأ واقعی عزت، خداوند متعال است، به دست آوردن عزت و سرفرازی از غیر طریق الهی به هر طریقی که باشد، ذلت است، زیرا ما هر چه را که در مسیر الهی به دست بیاوریم، بر ایمان اصل است.

● از مصادیق عزتمندی و زندگی سرافرازانه در قرآن کریم به چه نکاتی می توان اشاره کرد؟
در آیات و موارد زیادی در دل قرآن کریم به این موضوع پرداخته شده است و از ائمه اطهار^(ع) نیز احادیث ارزشمندی یادگار مانده است. حضرت علی^(ع) درباره این موضوع می فرماید: «کسی که از طریق غیر خدا به عزت برسد، همان عزت او را به هلاکت می رساند.» به این دلیل که عزت واقعی کسب نکرده است. میل و علاقه به عزت و فرار و تنفر از ذلت و شکست ناشی از میل فطری است که در نهاد همه انسان ها وجود دارد. مگر می شود انسان سلیم النفسی را سراغ داشته باشید که موفقیت و عزیزبودن در نزد آن کسی را که برایش بزرگ و محترم است، نخواهد؟ همه می خواهند به سرافرازی دست پیدا کنند، اما این شکوفایی عزت نیازمند علل و عواملی است که بی توجهی به این عوامل سبب خاموشی آن می شود و در مقابل، حالت ذلت و مغلوب شدن و پذیرش شکست را در انسان تقویت می کند. هیچ کس با نیرنگ و انجام گناه به عزت نمی رسد، به همین دلیل زمانی که به قرآن مراجعه می کنیم، متوجه می شویم قرآن راه های عزت یافتن را بسیار روشن بیان کرده است.

● آیا به صورت دقیق ویژگی هایی برای عزتمندشدن در قرآن ذکر شده است؟

بنده چهار ویژگی براساس آیات قرآن برای عزتمندی بیان می کنم. اولین ویژگی عزتمندشدن توکل به خداست. کسی که خواهان عزت نازل شده است، «سخنانی که مشرکان در افتخار و بالیدن به خدا یا نشان می گویند، تو را ای پیامبر غمگین نسازد که عزت همه اش از خداست و تنها شنواتی و نادانی از آن اوست. (سوره یونس: ۱۰)،

که به عزت می رسد. دومین ویژگی در قرآن کریم آمده است: «این کتابی است که از سوی خداوند عزیز و حکیم نازل شده است.» چون خداوند منشأ عزت و عظمت است. قرآن کریم و ذات مقدس حق بر این موضوع تأکید می کند که برای عزتمندشدن باید به خدا و آموزه های قرآنی رجوع کرد. در سوره فاطر آیه ۱۰ ذکر شده است: «هر کس خواهان عزت است. پس عزت همه از آن اوست و به هر که بخواهد، می دهد. تنها سخن عقیده پاک به سوی او بالا می رود و کار شایسته آن را بالا می برد.» پس معلوم می شود تمسک و توسل به خدا انسان را با عزت و دارای ارج و قرب می کند. سومین ویژگی توسل و تمسک به پیامبر^(ص) و اهل بیت^(ع) است که عامل عزتمندشدن انسان است. قرآن درباره پیامبر می فرماید: «و تو اخلاق بزرگ و برجسته ای داری، از جمله فضایل برجسته اخلاقی، عزت و شرافت نفس انسان است. یا آیه ای که خطاب به پیامبر نازل شده است: «سخنانی که مشرکان در افتخار و بالیدن به خدا یا نشان می گویند، تو را ای پیامبر غمگین نسازد که عزت همه اش از خداست و تنها شنواتی و نادانی از آن اوست. (سوره یونس: ۱۰)،

احکام صید ماهی

در مطلب گذشته درباره احکام ذبح اسلامی گفتیم و این بار خوب است درباره احکام صید ماهی بیشتر بدانیم.

حکم کلی:

ماهی ای حلال است که فلس داشته باشد و کوچک و بزرگی و کم و زیادی فلس مهم نیست، اما در حدی باشد که مردم آن را ماهی فلس دار بشناسند. شرط دیگر حلال بودن ماهی این است که زنده از آب گرفته شود و بیرون آب جان بدهد.

اگر ماهی در تور ماهیگیری در آب بمیرد، حکم آن چیست؟ آیا صید باید حتما مسلمان باشد؟

احکام

رهبر معظم انقلاب

ماهی ای که در داخل تور صیادی می میرد، حلال است. مسلمان بودن شرط نیست و در صورتی که بدانید حکم فلس دار بودن و خارج از آب مرده رعایت شده است.

آیت ا... سیستانی

اگر در تور ماهی بمیرد، اشکالی ندارد و مسلمان بودن لازم نیست.

آیت ا... مکارم شیرازی

اگر در ماهی که در آب باشد بمیرد، آن نیز حلال است. صیاد لازم نیست مسلمان باشد. ولی باید معلوم باشد آن را زنده از آب گرفته یا بعد از افتادن در دام جان داده است.

آیت ا... بهجت

کسی که ماهی را صید می کند، لازم نیست مسلمان باشد، ولی مسلمان باید بداند یا اطمینان داشته باشد که آن را زنده گرفته اند و خارج از آب مرده است.